

هدف از پژوهش حاضر شناسایی و تحلیل کارکردهای نظام آموزش عالی با رویکرد مدیریت منطقه‌ای بود. به‌منظور نیل به این هدف، از رویکرد کیفی و روش مطالعه موردی استفاده شد. جامعه آماری تحقیق مدیرکل‌ها و کارشناسان ارشد معاونت‌های آموزشی و پژوهشی وزارت عتف و شورای عالی انقلاب فرهنگی بودند که بر اساس اشباع نظری داده‌ها، تعداد ۱۱ نفر از آنها مورد مطالعه قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق و برای تحلیل آنها از روش تحلیل محتوای استقرایی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که از بین کارکردهای پژوهشی قابل واسپاری، اولویت با ساماندهی تسهیلات پژوهشی و ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری و از بین کارکردهای آموزشی اولویت با ایجاد، ادغام و حذف رشته‌ها، نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی، نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی و از بین کارکردهای ستادی قابل واسپاری، اولویت با کارکردهای امور رفاهی دانشجویان، کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه، رسیدگی به تخلفات اداری، برنامه‌ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی و از بین کارکردهای اداری و مالی قابل واسپاری اولویت با برنامه‌ریزی امور رفاهی است. با توجه به نتایج پژوهش جهت واسپاری کارکردها به مناطق باید آموزش و توانمندسازی بازیگران توسعه مدیریت منطقه‌ای نظام آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد، تا سیاست‌های واسپاری کارکردها به مناطق پیامدهای مثبتی داشته باشد.

■ واژگان کلیدی:

آموزش عالی، مدیریت منطقه‌ای، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، کارکردها، آمایش

شناسایی و تحلیل کارکردهای قابل واسپاری نظام آموزش عالی مبتنی بر سیاست‌های آمایش

سحر کوثری (نویسنده مسئول)

استادیار گروه سیاست علم، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور
kosari@nrsp.ac.ir

حسن احمدی

عضو هیئت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان
Ahmadi.hasan9@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

در عصر اقتصاد دانش، آموزش عالی برای پرورش استعدادها، تحقیقات علمی و خدمات اجتماعی فعالیت می‌کند. مؤسسات آموزش عالی در سراسر جهان با ارائه آموزش‌های علمی سیستماتیک از طریق فرآیندهای یادگیری تدریس و پژوهش، دانشجویان را با ارائه دانش، مهارت، ارزش‌ها و تجربه برای شناسایی و حل مشکلات در جامعه توانمند می‌سازند. (آیسال و آیسال^۱، ۲۰۲۰: ۲۶) برای بهبود هر جامعه، به‌ویژه جوامع در حال توسعه، توجه به منابع انسانی سازمان‌های آموزشی ضروری است. سازمان‌های آموزشی نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای فعلی و آینده هر جامعه با انجام مأموریت‌هایی از جمله آموزش، تحقیق و خدمات حرفه‌ای ایفا می‌کنند. (دارتومی^۲ و دیگران، ۲۰۲۰: ۲۴) بنابراین بدیهی است به‌عنوان بخشی که در راستای توسعه کشور به فعالیت می‌پردازد، مورد توجه قرار گیرد. برای توسعه در هر کشور یا جامعه‌ای که دارای شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مربوط به خود است، باید الگوی توسعه‌ای برخاسته از متن وجودی آن جامعه ایجاد کرد تا در چارچوب آن بتوان اهداف توسعه را محقق ساخت. بنابراین لزوم شناخت بسیاری از اجزاء، نهادها، نظام‌ها و ساختارهایی که به‌نحوی در توسعه نقش دارند و نیز سیاست‌هایی که در این عرصه انتخاب می‌شود و نهادهایی که این سیاست‌ها را وضع می‌کنند، ضروری است. (طریفی حسینی، ۱۳۹۱) در واقع دانشگاه‌ها در طول قرن‌ها با تدریس و مأموریت‌های تحقیقاتی خود نقش مهمی در توسعه جوامع سرتاسر جهان بازی می‌کنند. علاوه بر این دانشگاه نقش مهمی در افزایش اشتغال فارغ‌التحصیلان، افزایش سطح تحصیلات جامعه، ایجاد فرصت‌ها برای افراد و توسعه دانش و فناوری‌ها ایفا می‌کنند. (اولکای و بلو^۳، ۲۰۱۷: ۱۵۵) حکمرانی مناسب یکی از عوامل اصلی در بهبود کیفیت آموزش عالی است. برای ایجاد تعادل بین استقلال و پاسخ‌گویی، نقش کیفیت در آموزش عالی به مرور زمان افزایش یافته است. (زمان^۴، ۲۰۱۵: ۲) از جهتی دیگر امروزه گرایش فزاینده به اجرای سیاست‌های تمرکززدایی در برنامه‌های توسعه منطقه‌ای و ملی در بیشتر کشورهای دنیا مشاهده می‌شود. چرا که تمرکززدایی می‌تواند به‌عنوان ابزار و وسیله رشد و توسعه در بخش‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نقش

1. Aithal & Aithal
2. Dartomi
3. Olcay & Bulu
4. Zaman

ایفا کند. (ملکی و آقامحمدی، ۱۳۹۴: ۶۳) تمرکززدایی امروزه در بخش آموزش بسیار مهم جلوه کرده، چرا که بسیاری از دولت‌ها با ارائه خدمات آموزشی متمرکز مسائلی را از جمله ناکارآمدی مالی، عدم کفایت مدیریت، فقدان تصمیم‌گیری شفاف، کیفیت پایین و دسترسی به خدمات آموزش عالی و... را تجربه کرده‌اند. (ویدمن و دیپیترو^۱، ۲۰۱۱: ۲۳) تجربه کشورهایی که به این نوع برنامه‌ها روی آورده‌اند، نشان داده است که تمرکززدایی در برنامه‌ها و برنامه‌ریزی‌های آنها در میان مدت و بلندمدت در اکثر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های آنها جواب داده است. از سوی دیگر، تمرکززدایی دارای چالش‌ها و موانعی است که عدم توجه به آنها در درازمدت خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بار خواهد آورد. تمرکززدایی، تفویض اختیار و قدرت در زمینه تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و اعمال کنترل است. اساساً عدم تمرکز اگر به درستی و به خوبی اجرا شود می‌تواند فرصت‌های مهمی را برای توسعه در جوامع فراهم آورد. (ملکی و آقامحمدی، ۱۳۹۴: ۶۳)

در نظام‌های متمرکز، تمامی اختیارات تصمیم‌گیری در دست حکومت مرکزی است و معمولاً هیچ‌گونه حق تصمیم‌گیری به واحدها و بخش‌های پایین‌تر واگذار نمی‌شود. در واقع واحدهای پایین‌تر، مجری سیاست‌های حکومت مرکزی هستند و کنترل شدیدی بر آنها اعمال می‌گردد. اما در نظام‌های غیرمتمرکز، حکومت مرکزی اختیارات را به واحدهای مؤسسه‌ای پایین‌تر واگذار می‌کند. البته باز هم دولت مرکزی برای ایجاد هماهنگی، در اجرای برنامه‌ها دخالت دارد و بر آنها نظارت می‌کند. (اسدی و معروفی، ۱۳۹۵: ۱۷) از این‌رو مدیریت منطقه‌ای در آموزش عالی در راستای ایجاد عدالت آموزشی و بهبود ساختار اداره دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و در جهت تحقق بند ۷۸ سیاست‌های کلی برنامه ششم و بند ۵-۵ و ۶-۲ سیاست‌های کلی علم و فناوری است. در اقتصاد در حال پیشرفت، یکی از نگرانی‌های اساسی این است که آموزش و پژوهش در مؤسسات آموزش عالی ارتباط مستقیمی با هدف‌های جامعه و اقتصاد آن ندارد. یکی از این حیثه‌هایی که منطبق با نیازهای خاص است، توسعه منطقه‌ای است. با مستقر شدن در مناطق، دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها با مجموعه‌ای جدید از بازیگران منطقه و مأموریت‌ها برای مشارکت فعال در جهت توسعه این مناطق روبرو می‌شوند. در این محیط، دسترسی منطقه‌ای به دانش و مهارت‌ها برای زیرساخت فیزیکی بسیار مهم است. از این‌رو با به‌کارگیری مؤسسات آموزش عالی در مناطق، کمک اساسی برای توسعه اقتصادی مناطق می‌شود. (چاترتون

1. Weidman & DePietro-Jurand

و گودارد^۱، ۲۰۰۰: ۴۷۸)

در سراسر جهان آموزش عالی موضوعی است که در معرض تغییرات روزافزونی است. ظهور جامعه دانش محور، تحولات جهانی شدن، توسعه روزافزون اقتصادی، فشارهای رقابتی فزاینده ناشی از جهانی شدن، محرک تلاش‌های گوناگون در راستای اصلاحات در زمینه نظام‌های معاصر آموزش عالی شده است. از این‌رو نظام حکمرانی آموزش عالی با رعایت اصل استقلال و آزادی عمل دانشگاه‌ها و در راستای تمرکززدایی، تفویض اختیار و ارتقاء سطح نقش‌آفرینی مناطق در تصمیم‌سازی، مورد توجه جدی قرار گرفته است. در واقع اعمال مدیریت منطقه‌ای موجب کاهش تصدی‌گری دولت، بالارفتن سطح خلاقیت و مشارکت در مناطق، همکاری و همگرایی دانشگاه‌ها، پاسخگویی اجتماعی مراکز آموزش عالی در سطوح مختلف اجتماعی، مأموریت‌گرایی، توسعه هدفمند، التزام به تضمین کیفیت و سرانجام اعتلای آموزش عالی کشور خواهد شد. (چانیلز و ون دن بوش^۲، ۲۰۱۱: ۲۷۵)

بر این مینا در جهت تأمین نیازهای مناطق در کشور و رشد متوازن آنها و هدفمند شدن توسعه آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، با راه‌اندازی «دفتر امور مناطق کشور» نسبت به ایجاد زمینه مناسب برای شکل‌گیری تعامل‌های سازنده، سریع و دقیق بین حوزه‌های صف و ستاد؛ در جهت تحقق اهداف عالی آموزش عالی کشور اقدام کرده است. از این رو با اجرای آیین‌نامه مدیریت منطقه‌ای در حوزه آموزش عالی و تدوین ساختار و حکمرانی مناسب می‌توان در مدیریت منطقه و رفع نیازهای آن موفق بود. لذا مجموعه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور بر اساس تقسیمات منطقه‌ای می‌توانند بر حسب نیاز توسعه پیدا کنند. ارتقاء فعالیت‌ها، جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها، صرفه‌جویی در هزینه‌های اجرای طرح‌ها در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، تسهیل در برنامه‌ریزی و فعالیت‌ها، مدیریت و صرفه‌جویی در وقت و هزینه، با توجه به موقعیت جغرافیایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور از ضروریات منطقه‌ای کردن آموزش عالی به حساب می‌آید. بنابراین مسئله ما در این پژوهش این است که کارکردهای قابل واسپاری نظام آموزش عالی مبتنی بر سیاست‌های آمایش آموزش عالی کدام‌اند؟

بر اساس قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و در راستای اجرای بند ۷۸ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه کشور، بندهای ۲ و ۵ سیاست‌های کلی

نظام علم و فناوری ابلاغی مقام معظم رهبری و به‌منظور تحقق شاخص‌های چشم‌اندازی نقشه جامع علمی کشور مرتبط با آمایش آموزش عالی و راهبردهای کلان سیاست‌های اجرایی مصوب ذیل آن و همچنین توزیع عادلانه منابع، ایجاد فرصت‌های برابر، توزیع مأموریت آموزش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز، استفاده از مزیت‌های منطقه‌ای، کاهش تمرکز و جلوگیری از تجمع امکانات، مشارکت دانشگاه‌ها در تصمیم‌گیری و موضوعات ملی و فرا استانی؛ نظام آموزش عالی کشور از نظر آمایش سرزمینی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۷ به ۱۰ کلان منطقه تقسیم می‌شود. بر اساس ماده ۲ مصوبه آمایش آموزش عالی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری موظف است به‌منظور بهبود ساختار مدیریت و تصمیم‌گیری در نظام آموزش عالی و تقویت اختیارات مؤسسات آموزش عالی مناطق مذکور در ماده ۱، طرح مدیریت هر منطقه را در چارچوب مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی اجرا نماید.

۱۹۳

مبانی نظری

نظام‌های متمرکز، دیدگاه سنتی و غالب اکثر کشورهای جهان تا اواخر قرن بیستم بود. در این نظام‌ها تمامی اختیارات تصمیم‌گیری در دست حکومت مرکزی است و معمولاً هیچ‌گونه حق تصمیم‌گیری به واحدها و بخش‌های پایین‌تر واگذار نمی‌شود. اما در نظام‌های غیرمتمرکز، حکومت مرکزی اختیارات را به واحدهای پایین‌تر واگذار می‌کند. البته باز هم دولت مرکزی برای ایجاد هماهنگی، در اجرای برنامه‌ها دخالت دارد و بر آنها نظارت می‌کند. عدم تمرکز شامل انتقال بخشی یا تمام تصمیم‌گیری‌ها و مسئولیت‌های قدرت مرکزی به قدرت‌های محلی یا منطقه‌ای است. تمرکززدایی مشارکت همه‌جانبه افراد را در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی درباره سرنوشت خود ایجاد می‌کند. به اعتقاد ولش و مک کین تمرکززدایی از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که در طول چندین سال اخیر، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه آموزشی گذاشته است. باید متذکر شد که برنامه‌ریزی متمرکز مطلق و عدم تمرکز مطلق وجود ندارد. اما به‌نظر می‌رسد که تلفیقی از این دو نوع برنامه متمرکز و غیرمتمرکز می‌تواند در جهت توسعه همه‌جانبه مفید و مؤثر باشد. (ملکی و آقامحمدی، ۱۳۹۴: ۶۴)

طی دهه‌های اخیر موضوع «مدیریت توسعه منطقه‌ای» در جهان، بیش از پیش مورد توجه کشورها قرار گرفته است. به‌ویژه در اقتصادهای پیشرفته و در حال رشد که دو

دلیل عمده داشته است: ۱. افزایش نقش، فعالیت و نفوذ جهانی اتحادیه‌های منطقه‌ای و ۲. تغییرات ساختار درون منطقه‌ای. این دو دلیل، تغییر و اصلاح نظام‌های مدیریتی در این اقتصادها را ضروری کرده‌اند. شکل‌گیری اقتصاد، جامعه و سرمایه‌داری اطلاعاتی و جهانی شدن اقتصادی و شتاب آن از دهه ۱۹۸۰ به این سو، اصلاح نظام‌ها و شیوه‌های مدیریتی توسعه را سرعت بخشیده است. (زیاری و محمدی، ۱۳۹۴: ۷۶) با شتاب جهانی شدن اقتصادی و پویایی شدید فرایندهای اقتصادی - اجتماعی، اتخاذ شیوه‌های مدیریتی پایدار در سطوح فضایی اجتناب‌ناپذیر شده است. (ویلسون، ۲۰۱۲: ۱۲۲۰) چنین تغییری برای باز ساخت منطقه‌ای در کشورهای در حال رشد با پیچیدگی و موانع زیادی همراه است؛ زیرا نهادهای منطقه‌ای به دلیل ضعف‌ها و ناتوانی‌های درونی، قدرت عمل کافی برای انطباق با پویایی فرایندهای برون‌زاد را ندارند. (بزپالو، ۲۰۱۴: ۱۷)

شناسایی این امر مهم است که چرا مقامات منطقه‌ای در سراسر کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به دنبال آن هستند که دانشگاه‌ها را در حمایت از استراتژی توسعه منطقه‌ای خود بسیج کنند، به همین دلیل بسیاری از این دانشگاه‌ها با توسعه مناطق خود درگیر هستند. پیامی کلیدی از کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی این است که مشارکت موفق بستگی به درک دانشگاهیان و مقامات محلی از همدیگر دارد. اغلب مشارکت‌ها به شکست می‌انجامد چرا که مدیران دانشگاه‌ها از وضعیت مناطق درک کافی ندارند و مقامات محلی مأموریت اصلی دانشگاه‌ها و محدودیت‌های آن را درک نمی‌کنند. زمانی که درک متقابل به وجود آمد، این امکان وجود دارد که بر ساختارها و رویه‌هایی که مانع همکاری می‌شوند، غلبه کرد.

انواع تمرکززدایی مبتنی بر الگوی راندینلی

بر اساس الگوی راندینلی^۳ (۲۰۱۳) به نقل از کمالی (۱۳۹۳) تمرکززدایی نهادهای دولتی از چهار الگوی مختلف تبعیت می‌کند:

تراکم‌زدایی^۴: انتقال کارکرد به تشکیلات محیطی تر تحت اختیار تشکیلات بالادستی اولیه (گرفتن نظر مشاوره‌ای منطقه)

تفویض^۵: انتقال کارکرد به تشکیلات نیمه‌مستقل محیطی تر (تأیید اولیه در منطقه

1. Wilson
2. Bezpalov
3. Rondinelli
4. Deconcentration
5. Delegation

انجام می‌شود و سپس تأیید نهایی به ستاد فرستاده می‌شود) واگذاری^۱: انتقال کارکرد به تشکیلات مستقل دولتی محیطی تر (تنها سیاست‌گذاری کلان در ستاد انجام می‌شود).
خصوصی‌سازی^۲: انتقال کارکرد به تشکیلات مستقل خصوصی محیطی تر.
سه نوع عمده تمرکززدایی که می‌توانند به‌طور مؤثر در کاهش تمرکز در یک منطقه کمک کنند، عبارت‌اند از:

۱. تمرکززدایی اداری: عبارت است از انتقال مسئولیت، بودجه‌بندی و مدیریت وظایف عمومی از دولت مرکزی به واحدهای سطوح پایین‌تر، مؤسسات نیمه‌مستقل دولتی یا به ادارات و دستگاه‌ها در مناطق کشوری.

۲. تمرکززدایی مالی: در برگیرنده انتقال دو موضوع است: الف) بودجه، ب) قدرت و اختیار ایجاد درآمد و تصمیم‌گیری در مخارج. یعنی همزمان هم بودجه کشوری به حکومت‌های محلی انتقال یافته و هم قدرت و اختیار تصمیم‌گیری در مورد خرج آن و ایجاد درآمدهای مورد نظر تفویض شود.

۳. تمرکززدایی سیاسی: هدف تمرکززدایی سیاسی، واگذاری قدرت بیشتر به شهروندان و نمایندگان آنها در تصمیم‌سازی‌های عموم است. عدم تمرکز سیاسی را شامل عدم تمرکز در قانون‌گذاری، دموکراسی صنعتی و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های محلی می‌داند. (کمالی، ۱۳۹۳)

انواع حکمرانی

پدیده حکمرانی^۳ موضوعی است میان رشته‌ای، بین شاخه‌های حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و علوم سیاسی. پژوهشگران این حوزه عمدتاً بر مباحث جدیدی مانند تکه‌تکه شدن قدرت میان سطوح دولتی و فرو دولتی، تشویق و ترغیب تمرکززدایی از دولت و اتکاء روزافزون بر انواع جدید مشاوره و مشارکت شهروندان، متمرکز هستند. (مهان^۴، ۲۰۰۳) حکمرانی اغلب با نگاهی جدید، به محدود نمودن قدرت سنتی سلسله مراتبی (بالا - پائین) و تغییر مسیر آن به سوی تصمیم‌های جمعی می‌پردازد. حکمرانی دارای دو مقوله درونی و بیرونی است. حکمرانی بیرونی درباره ایفای نقش‌های بازیگران

1. Devolution
2. Privatization
3. Governance
4. Meehan

و سیاستگذاران بیرونی و تأثیر آنها بر روی یکدیگر است. این گروه‌ها و افراد را ذینفعان بیرونی می‌نامند. از طرف دیگر حکمرانی درونی به واسطه نقش‌ها، مسئولیت‌ها و اقتدار بازیگران شناخته می‌شوند. این گروه‌ها و افراد را ذینفعان درونی می‌نامند. در حالی که ذینفعان بیرونی، گروه‌ها و یا افرادی هستند که اعضای سازمان تلقی نمی‌شوند، اما منافعی را در سازمان دارند. (احمدی رضائی و مالکی، ۱۳۹۴)

خروجی مورد انتظار

سند سیاستی: در برخی موارد، سند سیاستی به عنوان خروجی مورد انتظار از مرکز یا دانشگاه طرف قرارداد می‌باشد و ملاک تحقق وظیفه، سند تدوین شده خواهد بود. استقرار سخت‌افزاری: یکی از خروجی‌های مهم محورهای تحول، استقرار یکی از بسترهای سخت افزاری مانند فضای فیزیکی، زیرساخت‌های آموزشی، تأمین منابع انسانی و... است. اجرایی‌سازی: در برخی موارد، از دانشگاه‌ها و مراکز طرف تعامل انتظار می‌رود برنامه ارائه شده را در سطح دانشگاه یا منطقه آموزشی پیاده نموده و اجرایی کنند. (مأموریت‌گرایی در آموزش علوم پزشکی، ۱۳۹۵)

۱۹۶

سوالات پژوهش

۱. کارکردهای قابل واسپاری وزارت عتف به مناطق کدام‌اند؟
۲. اولویت‌بندی کارکردهای قابل واسپاری به چه صورت است؟

روش پژوهش

از آنجا که رویکرد کیفی، رویکرد مناسبی برای کشف داده‌های جدید و غیرمنتظره است، از این رویکرد برای اطلاع از نظرات محققان و اساتید دانشگاه‌ها از روش بررسی موردی استفاده شد. بررسی موردی پژوهشی است که پژوهشگر به جست و جوی ژرف یک برنامه، رخداد، فعالیت، فرآیند و حتی یک موضوع در یک یا چند نفر می‌پردازد. (کرسول^۱، ۲۰۱۲) از یک طرف، با توجه به اینکه مبنای نظری منسجم و نظام‌مندی که بتوان با تکیه بر آن به بررسی جنبه‌های مسئله پرداخت، وجود نداشت و از طرف دیگر، با توجه به اینکه بافت نظام آموزش عالی کشورمان دارای بافت منحصر به فردی از نظر مدیریت، ساختار، فرهنگ و فضای حاکم بر آن است که لزوماً مبانی نظری مستخرج از

1. Creswell

پیشینه پژوهش با آن بافت نمی تواند هماهنگی داشته باشد، پژوهش حاضر بر آن شد تا ابتدا از رویکرد کیفی برای استخراج مقوله‌ها و مؤلفه‌های مربوط استفاده شود.

میدان تحقیق، نمونه و روش نمونه‌گیری

نظر به ارتباط ملموس اساتید و محققان با تحلیل کارکردهای نظام آموزش عالی با رویکرد مدیریت منطقه‌ای، مدیر کل‌ها و کارشناسان ارشد معاونت‌های آموزشی و پژوهشی به‌عنوان میدان تحقیق در نظر گرفته شدند. نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت هدفمند بوده و تا آنجا ادامه پیدا نمود که اشباع در اطلاعات گردآوری شده حاصل شود. بدین معنی که نمونه‌گیری تا زمانی تداوم پیدا کرد که همچنان نظرات جدیدی توسط گروه نمونه ارائه می‌شد. لذا با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۱۱ نفر انتخاب شدند. جزئیات تعداد نمونه و سمت تمامی مصاحبه‌شوندگان به تفکیک در جدول ۱ ارائه شده است.

۱۹۷

جدول ۱: مصاحبه‌شونده‌ها و رشته‌های تحصیلی آنها

شماره مصاحبه‌شونده	سمت	رشته	جنسیت
مصاحبه‌شونده شماره ۱	مدیر کل دفتر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی امور پژوهشی	علوم گیاهی	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۲	مدیر کل برنامه‌ریزی امور فناوری	مکانیک	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۳	مدیر کل دفتر گسترش آموزش عالی		مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۴	مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی	مهندسی مکانیک	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۵	مدیر کل دفتر برنامه و بودجه و تشکیلات	مهندسی مواد و متالورژی	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۶	مدیر کل دفتر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی اجتماعی	زبان و ادبیات فارسی	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۷	کارشناس ارشد مرکز جذب اعضای هیئت علمی	مدیریت آموزشی	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۸	کارشناس ارشد مرکز نظارت و ارزیابی آموزش عالی	مدیریت آموزشی	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۹	عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور	سیاستگذاری علوم و تحقیقات	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۱۰	استاد تمام دانشگاه تهران	آموزش عالی	مرد
مصاحبه‌شونده شماره ۱۱	دبیر شورای عالی عتف	مهندسی مکانیک	مرد

ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق بود که به صورت قیاسی پیاده شد. بدین معنی که ابتدا سؤالی کلی در ارتباط با کارکردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با رویکرد مدیریت منطقه‌ای پرسیده شد و سپس بر اساس دیدگاه‌ها و پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان، سؤالات جزئی‌تری در راستای هدف تحقیق مطرح شد. دلیل استفاده از این نوع مصاحبه آن بود که محقق با طرح سؤال باز درصدد بود تا بدون محدود کردن عقاید و نگرش‌های مصاحبه‌شونده‌ها از دیدگاه‌ها و نظرات آنها مطلع شود.

برازش روایی پژوهش

برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، یعنی دقیق بودن یافته‌ها از منظر پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش اقدامات زیر انجام شد: ۱. تحلیل و بازبینی مقوله‌های به دست آمده در مرحله کیفی توسط صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه‌ها. ۲. روش بازخورد مشارکت‌کننده که مبتنی است بر ارائه تفسیرها و تحلیل‌های محقق به مشارکت‌کنندگان برای اصلاح و ویرایش مواردی که توسط محقق بد فهم شده‌اند. از طرف دیگر، از آنجا که تحقیق حاضر، تحقیقی به روش گروهی و با همکاری دو نفر بود، از روش دریافت نظر همکاران نیز برای یکپارچه کردن داده‌ها استفاده شد. (مهدیون و دیگران، ۱۳۹۰)

۱۹۸

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تحلیل داده‌ها نیز روش تحلیل محتوای استقرایی^۱ بود که با توجه به موجود نبودن ساختار و مقوله‌هایی از پیش تعیین شده، از روش کدگذاری باز استفاده شد بدین معنی که طبقه‌ها و مقوله‌های به دست آمده از این تحلیل، صرفاً از دل دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان استخراج شد و نه بر اساس ساختاری که در پیشینه مورد استفاده قرار گرفته باشد. (کرسول، ۲۰۱۲؛ هاچ^۲، ۲۰۰۲ و دونوگ و پانچ^۳، ۲۰۰۳) در این نوع تحلیل، ابتدا اطلاعات از افراد مشارکت‌کننده گردآوری شده و سپس داده‌ها، بدون در نظر داشتن مبنایی نظری، کدگذاری شده و فرایند تلخیص و کاهش کدها تا جایی ادامه پیدا می‌کند که به مقوله‌ها

1. Inductive Content Analysis
2. Hatch
3. Donoghue & Punch

و طبقه‌های گسترده‌تری دست پیدا کنیم که بتواند کدهای جزئی‌تر را شامل شود. عنوان مقوله‌های ارائه شده نیز دقیقاً برگرفته از واژه‌هایی بود که توسط مشارکت‌کننده‌ها استفاده شده است که به آن کدهای طبیعی^۱ می‌گویند. (کرسول، ۲۰۱۲)

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

محقق برای دستیابی به تجربیات افراد در خصوص تحلیل کارکردهای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با رویکرد مدیریت منطقه‌ای با مدیر کل‌ها و کارشناسان ارشد معاونت‌های آموزشی و پژوهشی که ارتباط نظری و عملی ممتدی با مسئله پژوهش داشتند، مصاحبه کرده و تجارب و نگرش‌های آنها را در این خصوص جویا شد. در فرآیند گردآوری اطلاعات به تدریج مفاهیم و گزاره‌ها در این خصوص انباشته می‌شدند، تا جایی که داده‌ها به تکرار رسیدند. در خصوص تحلیل مرحله‌ای یافته‌ها نیز باید گفت که ابتدا با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف‌ها، تلاش شد تا کدهای مربوط استخراج شوند و در مرحله بعدی آن، مفاهیم در قالب مقوله‌های بزرگ‌تری قرار گرفتند. بعد از این مرحله سعی شد که مقولات نیز در قالب دسته‌های بزرگ مفهومی طبقه‌بندی شوند. در این پژوهش ۱ مقوله اصلی، چهار مقوله فرعی و ۲۰۳ کد فرعی به دست آمدند. نمونه‌ای از مقوله‌بندی‌ها در قالب جدول ۲، نشان داده شده است.

جدول ۲: کارکردهای قابل واسپاری نظام آموزش عالی به مناطق

کد مصاحبه‌شونده	(مفاهیم شناسایی شده)	مقولات فرعی	مقولات اصلی	مسئله تحقیق
۱۱، ۱۰م، ۹م، ۸م، ۷م، ۵م، ۳م	ساماندهی طرح‌های پژوهشی منطقه‌ای	کارکردهای پژوهشی	کارکردهای معاونتی	کارکردهای وزارت عتف
۱۱م، ۲م، ۱م، ۳م، ۴م، ۵م، ۶م، ۷م	ساماندهی تسهیلات پژوهشی			
۱۱م، ۲م، ۴م، ۵م، ۶م، ۸م، ۹م	ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری			
۱۱م، ۲م، ۴م، ۸م، ۹م، ۱۰م	ایجاد و توسعه آزمایشگاه‌های منطقه‌ای			
۱۱م، ۱م، ۲م، ۳م، ۴م، ۶م، ۷م، ۸م، ۱۰م	صدور مجوز و تعیین اعتبار نشریات علمی			
۱۱م، ۱م، ۲م، ۳م، ۴م، ۵م، ۶م، ۷م	صدور مجوز و ارزیابی انجمن‌های علمی			
۱۱م، ۲م، ۳م، ۴م، ۵م، ۶م، ۸م، ۹م	انتخاب پژوهشگران برتر			
۱۱م، ۲م، ۴م، ۸م، ۹م، ۱۰م	نظارت بر کیفیت خروجی			

مسئله تحقیق	مقولات اصلی	مقولات فرعی	(مفاهیم شناسایی شده)	کد مصاحبه‌شونده
کارکردهای معاونتی	کارکردهای معاونتی	کارکردهای آموزشی	برنامه‌ریزی کلان آموزش عالی	م ۵، م ۶، م ۷، م ۸، م ۹، م ۱۰
			ایجاد، ادغام و حذف رشته‌ها	م ۱، م ۳، م ۷، م ۹، م ۱۰، م ۱۱
			ایجاد، ادغام و حذف مراکز آموزش عالی	م ۲، م ۳، م ۵، م ۶، م ۷، م ۹
			نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی در مراکز آموزش عالی	م ۳، م ۵، م ۷، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱
			نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی	م ۱، م ۲، م ۳، م ۴، م ۵، م ۶، م ۷، م ۱۱
			نظارت بر آزمون‌های ورودی	م ۲، م ۴، م ۵، م ۶، م ۸، م ۹، م ۱۱
			تعیین ظرفیت پذیرش	م ۲، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱
			توانمندسازی اعضای هیئت علمی	م ۱، م ۲، م ۳، م ۴، م ۶، م ۷، م ۸، م ۱۰، م ۱۱
			ارائه شیوه‌های نوین آموزشی	م ۱، م ۲، م ۳، م ۴، م ۵، م ۶، م ۷، م ۱۱
			آموزش‌های آزاد و مهارتی	م ۲، م ۴، م ۵، م ۶، م ۸، م ۹، م ۱۱
			به‌روزرسانی سرفصل‌های آموزشی	م ۲، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱
کارکردهای فرهنگی - دانشجویی	کارکردهای فرهنگی - دانشجویی	کارکردهای فرهنگی - دانشجویی	برنامه‌ریزی، تصویب و اجرای نقل و انتقالات دانشجویی در سطح منطقه	م ۲، م ۴، م ۵، م ۶، م ۸، م ۹، م ۱۱
			شناسایی و هدایت استعداد‌های درخشان دانشجویی در سطح منطقه	م ۲، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱
			برنامه‌ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی، فرهنگی، فیلم و ... در منطقه	م ۱، م ۲، م ۳، م ۴، م ۶، م ۷، م ۸، م ۱۰، م ۱۱
			بررسی و تصویب سیاست‌های برگزاری المپیادهای علمی، قرآنی، مهارتی و ورزشی در سطح منطقه	م ۱، م ۲، م ۳، م ۴، م ۵، م ۶، م ۷، م ۱۱
			تشکیل کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه	م ۱، م ۲، م ۳، م ۷، م ۹، م ۱۰، م ۱۱
			فرایند جذب و انتقال اعضای هیئت علمی	م ۱، م ۳، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱
			بررسی و تصویب سیاست حمایت ویژه از اعضای هیئت علمی در سطح منطقه	م ۱، م ۲، م ۵، م ۶، م ۱۱
			گزینش دانشجویان و کارکنان و اعضای هیئت علمی در سطح منطقه	م ۱، م ۳، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱
			بررسی و تصویب سیاست‌های توسعه همکاری‌های بین‌المللی متناسب با مزیت‌های منطقه	م ۲، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱
			رسیدگی به تخلفات اداری مؤسسات آموزش عالی و کارکنان و اعضای هیئت علمی در سطح منطقه	م ۲، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱
			کارکردهای وزارتی	کارکردهای وزارتی
فرایند جذب و انتقال اعضای هیئت علمی	م ۱، م ۳، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱			
بررسی و تصویب سیاست حمایت ویژه از اعضای هیئت علمی در سطح منطقه	م ۱، م ۲، م ۵، م ۶، م ۱۱			
گزینش دانشجویان و کارکنان و اعضای هیئت علمی در سطح منطقه	م ۱، م ۳، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱			
بررسی و تصویب سیاست‌های توسعه همکاری‌های بین‌المللی متناسب با مزیت‌های منطقه	م ۲، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱			
رسیدگی به تخلفات اداری مؤسسات آموزش عالی و کارکنان و اعضای هیئت علمی در سطح منطقه	م ۲، م ۴، م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱			

مصاحبه‌شونده شماره ۵ (مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)

از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۵ از بین کارکردهای قابل واسپاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در بعد کارکردهای پژوهشی ساماندهی طرح‌های پژوهشی، ساماندهی تسهیلات پژوهشی، ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری، صدور مجوز و تعیین اعتبار نشریات علمی، صدور مجوز و ارزیابی انجمن‌های علمی، انتخاب پژوهشگران برتر، نظارت بر کیفیت خروجی و در بعد کارکردهای آموزشی ایجاد، ادغام و حذف رشته‌ها، ایجاد، ادغام و حذف مراکز آموزش عالی، نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی، نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی، نظارت بر آزمون‌های ورودی، تعیین ظرفیت پذیرش، توانمندسازی اعضا هیئت علمی، ارائه شیوه‌های نوین آموزشی، آموزش‌های آزاد و مهارتی، به‌روزرسانی سرفصل‌های آموزشی، ساماندهی مراکز آموزش عالی؛ و در بعد کارکردهای ستادی، کارکردهای امور رفاهی دانشجویان، هدایت استعداد‌های درخشان دانشجویی، برنامه‌ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی، برنامه‌ریزی و برگزاری المپیادهای دانشجویی، کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه، جذب و انتقال اعضا هیئت علمی، گزینش دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و رسیدگی به تخلفات اداری؛ و در بعد کارکردهای اداری و مالی، کارکردهای بودجه‌ریزی و تأمین آن، پشتیبانی علمی ساختار و تشکیلات اداری، اداره امور مالی، نظارت بر طرح‌های عمرانی و برنامه‌ریزی امور رفاهی کارکردهای قابل واسپاری به مناطق اند.

از نظر مصاحبه‌شونده شماره ۵ اولویت واسپاری این کارکردها به مناطق باید در بخش کارکردهای پژوهشی از قبیل ساماندهی طرح‌های پژوهشی، ساماندهی تسهیلات پژوهشی، نظارت بر کیفیت خروجی (در کوتاه‌مدت)؛ ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری (در میان‌مدت)؛ صدور مجوز و تعیین اعتبار نشریات علمی، صدور مجوز و ارزیابی انجمن‌های علمی، انتخاب پژوهشگران برتر (بلندمدت) باشد.

در بخش کارکردهای آموزشی؛ کارکردهای ایجاد، ادغام و حذف رشته‌ها، ایجاد، ادغام و حذف مراکز آموزش عالی، به‌روزرسانی سرفصل‌های آموزشی، ساماندهی مراکز آموزش عالی از لحاظ اولویت واسپاری در سطح (میان‌مدت)؛ و کارکردهای نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی، نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی، نظارت بر آزمون‌های ورودی، توانمندسازی اعضا هیئت علمی، ارائه شیوه‌های نوین آموزشی و آموزش‌های آزاد و مهارتی در سطح کوتاه‌مدت و کارکرد تعیین ظرفیت پذیرش در سطح بلندمدت به مناطق واگذار گردد.

در بخش کارکردهای ستادی؛ کارکردهای امور رفاهی دانشجویان، هدایت استعداد‌های درخشان دانشجویی، کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه، جذب و انتقال اعضا هیئت علمی، گزینش دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی و رسیدگی به تخلفات اداری از لحاظ اولویت و اسپاری در سطح (میان‌مدت)؛ و کارکردهای برنامه‌ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی، برنامه‌ریزی و برگزاری المپیادهای دانشجویی، توسعه همکاری‌های بین‌المللی در سطح میان مدت قابل واسپاری به مناطق‌اند.

در بخش کارکردهای اداری و مالی؛ کارکردهای بودجه‌ریزی و تأمین آن (در سطح بلندمدت)؛ کارکرد پشتیبانی علمی ساختار و تشکیلات اداری (در سطح میان‌مدت)؛ و کارکردهای اداره امور مالی، نظارت بر طرح‌های عمرانی و برنامه‌ریزی امور رفاهی (در سطح کوتاه‌مدت) قابل واسپاری به مناطق‌اند.

۲۰۲

همچنین از نظر این مصاحبه‌شونده از لحاظ سطح اختیارات مناطق؛ از بین کارکردهای پژوهشی ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری و انتخاب پژوهشگران برتر، مناطق از سطح اختیار نسبی برخوردار گردد و در کارکردهای ساماندهی طرح‌های پژوهشی، ساماندهی تسهیلات پژوهشی، صدور مجوز و تعیین اعتبار نشریات علمی، صدور مجوز و ارزیابی انجمن‌های علمی و نظارت بر کیفیت خروجی از سطح اختیارات کامل برخوردار گردد. و از بین کارکردهای آموزشی، کارکردهای ایجاد، ادغام و حذف رشته‌ها، ایجاد، ادغام و حذف مراکز آموزش عالی، تعیین ظرفیت پذیرش، به‌روزرسانی سرفصل‌های آموزشی و ساماندهی مراکز آموزش عالی از سطح اختیارات نسبی برخوردار گردد و کارکردهای نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی، نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی، نظارت بر آزمون‌های ورودی، توانمندسازی اعضا هیئت علمی، ارائه شیوه‌های نوین آموزشی و آموزش‌های آزاد و مهارتی، از سطح اختیارات کامل برخوردار گردد. از بین کارکردهای ستادی، کارکردهای برنامه‌ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی، برنامه‌ریزی و برگزاری المپیادهای دانشجویی، توسعه همکاری‌های بین‌المللی از سطح اختیارات نسبی برخوردار گردد. و کارکردهای امور رفاهی دانشجویان، هدایت استعداد‌های درخشان دانشجویی، کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه، جذب و انتقال اعضا هیئت علمی، گزینش دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی و رسیدگی به تخلفات اداری از سطح اختیارات کامل برخوردار گردد. از بین کارکردهای اداری و مالی کارکردها پشتیبانی علمی ساختار و تشکیلات اداری از سطح اختیار نسبی و کارکردهای بودجه‌ریزی

و تأمین، کارکردهای اداره امور مالی، نظارت بر طرح‌های عمرانی و برنامه‌ریزی امور رفاهی، مناطق از سطح اختیار کامل برخوردار شوند.

در اقتصاد در حال پیشرفته، یکی از نگرانی‌های اساسی این است که آموزش و پژوهش در مؤسسات آموزش عالی ارتباط مستقیمی با هدف‌های جامعه و اقتصاد آن ندارد. یکی از این حیطه‌ها که منطبق با نیازهای خاص است، توسعه منطقه‌ای است. با مستقر شدن در مناطق، دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها با مجموعه‌ای جدید از مأموریت‌ها و بازیگران منطقه برای مشارکت فعال در جهت توسعه این مناطق روبرو می‌شوند. در این محیط، دسترسی منطقه‌ای به دانش و مهارت‌ها برای زیرساخت فیزیکی بسیار مهم است. از این‌رو با به کارگیری مؤسسات آموزش عالی در مناطق، کمک اساسی برای توسعه اقتصادی مناطق می‌شود. بنابراین با توجه به بررسی گسترده کارکردهای نظام آموزش عالی، کارکردهایی که با توجه به مناطق قابل واسپاری باشند به شرح ذیل شناسایی شدند.

کارکردهای معاونتی که شامل کارکرد پژوهشی و آموزشی می‌باشد.

کارکرد پژوهشی

امروزه پژوهش و فناوری نقش عمده‌ای در ایجاد استقلال و توسعه پایدار داشته و جوامع گوناگون در برنامه‌ریزی‌های سازمانی، مأموریت‌ها، چشم‌اندازها، اهداف، راهبردها، سیاست‌های اجرایی و راهکارها را اولویت‌های خود قرار می‌دهند. قطعاً هدف از چنین رویکردی، پدیدآوردن زمینه‌ها و امکاناتی است که به کمک آنها بتوان ضمن گسترش مرزهای دانش، به فناوری‌های نوین و پیشرفته برای پاسخ‌گویی به نیازها و تحولات جدید در اقتصاد دانش بنیان با رویکرد اقتصاد مقاومتی و در راستای سیاست‌های ابلاغی علم و فناوری توسط مقام معظم رهبری دست یافت.

بنابراین شناسایی کارکردهای پژوهشی قابل واسپاری به‌منظور توسعه مناطق از مهم‌ترین مسائل وزارت عتف بود. از این‌رو به شناسایی این کارکردها پرداخته شد. کارکردهای پژوهشی شامل (ساماندهی طرح‌های پژوهشی منطقه‌ای، ساماندهی، تسهیلات پژوهشی، ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری، انتخاب پژوهشگران برتر، صدور مجوز و تعیین اعتبار نشریات علمی، صدور مجوز و ارزیابی انجمن‌های علمی، ایجاد و توسعه آزمایشگاه‌های منطقه‌ای و نظارت بر کیفیت خروجی می‌باشد.

کارکرد آموزشی

علاوه بر کارکردهای پژوهشی، کارکردهای آموزشی نیز از لحاظ واسپاری به مناطق مورد

بررسی قرار گرفتند که کارکردهای آموزشی شامل (برنامه‌ریزی کلان آموزش عالی، ایجاد، ادغام و حذف رشته‌ها، ایجاد، ادغام و حذف مراکز آموزش عالی، نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی در مراکز آموزش عالی، نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی، نظارت بر آزمون‌های ورودی، تعیین ظرفیت پذیرش، توانمندسازی اعضا هیئت علمی، ارائه شیوه‌های نوین آموزشی، آموزش‌های آزاد و مهارتی، به‌روزرسانی سرفصل‌های آموزشی و ساماندهی مراکز آموزش عالی شناسایی شدند.

کارکردهای وزارتی نیز شامل کارکرد فرهنگی - دانشجویی و ستادی می‌باشد.

کارکردهای فرهنگی - دانشجویی

به‌منظور تحقق اهداف فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، کارکردهای فرهنگی - دانشجویی در مناطق به‌منظور توسعه و رشد فرهنگی - دانشجویی شناسایی شدند. این کارکردها شامل برنامه‌ریزی، تصویب و اجرای نقل و انتقالات دانشجویی در سطح منطقه، شناسایی و هدایت استعدادهای درخشان دانشجویی در سطح منطقه، برنامه‌ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی، فرهنگی، فیلم و... در منطقه، بررسی و تصویب سیاست‌های برگزاری المپیادهای علمی، مهارتی و ورزشی در سطح منطقه، می‌باشد.

کارکردهای ستادی

کارکردهای ستادی قابل واسپاری نظام آموزش عالی به مناطق نیز طی فرایند پژوهش شناسایی شدند. این کارکردها شامل تشکیل کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه، فرایند جذب و انتقال اعضا هیئت علمی، بررسی و تصویب سیاست حمایت ویژه از اعضای هیئت علمی در سطح منطقه، گزینش دانشجویان و کارکنان و اعضای هیئت علمی در سطح منطقه، بررسی و تصویب سیاست‌های توسعه همکاری‌های بین‌المللی و متناسب با مزیت‌های منطقه و رسیدگی به تخلفات اداری مؤسسات آموزش عالی و کارکنان و اعضای هیئت علمی در سطح منطقه می‌باشد.

اولویت‌بندی کارکردهای قابل واسپاری

با توجه به مصاحبه‌های انجام شده در جدول زیر کارکردهای قابل واسپاری و اولویت‌بندی آنها نیز مشخص شده است.

جدول ۳: کارکردهای پژوهشی قابل واسپاری و اولویت بندی آنها

نوع کارکرد	کارکردها	فراوانی کارکردهای قابل واسپاری	درصد فراوانی	اولویت واسپاری					
				کوتاه مدت	درصد فراوانی	میان مدت	درصد فراوانی	بلند مدت	درصد فراوانی
کارکردهای پژوهشی وزارت عتف	ساماندهی طرح‌های پژوهشی	۲۸	٪۹۳	۱۴	٪۵۰	۱۲	٪۴۲/۸۵	۱	٪۳/۵۷
	ساماندهی تسهیلات پژوهشی ^۱	۳۰	٪۱۰۰	۱۲	٪۴۰	۱۳	٪۴۳/۳۳	۵	٪۱۶/۶۶
	ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری	۳۰	٪۱۰۰	۳	٪۱۰	۱۶	٪۵۳/۳۳	۱۱	٪۳۶/۶۶
	صدور مجوز و تعیین اعتبار نشریات علمی	۲۹	٪۹۶	۱	٪۳/۴۴	۱۲	٪۴۱/۳۷	۱۶	٪۵۵/۱۷
	صدور مجوز و ارزیابی انجمن‌های علمی	۲۹	٪۹۶	۲	٪۶/۸۹	۱۳	٪۴۴/۸۲	۱۴	٪۴۸/۲۷
	انتخاب پژوهشگران برتر	۲۹	٪۹۶	۱۱	٪۳۷/۹۳	۸	٪۲۷/۵۸	۱۰	٪۳۴/۴۸
	نظارت بر کیفیت خروجی	۳۰	٪۱۰۰	۱۲	٪۴۰	۹	٪۳۰	۹	٪۳۰

۲۰۵

همان‌طور که از جدول ۳ مشخص است از بین کارکردهای پژوهشی قابل واسپاری مصاحبه‌شونده‌ها بر این باور بودند که ساماندهی تسهیلات پژوهشی و ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری به‌طور کامل به مناطق واگذار گردد. و اکثراً هم معتقد بودند این کارکردها به‌صورت میان‌مدت به مناطق واگذار گردد. سایر کارکردها نیز به‌طور مفصل در جدول مربوط اشاره شده است.

جدول ۴: کارکردهای آموزشی قابل واسپاری و اولویت بندی آنها

نوع کارکرد	کارکردها	فراوانی کارکردهای قابل واسپاری	درصد فراوانی	اولویت واسپاری					
				کوتاه مدت	درصد فراوانی	میان مدت	درصد فراوانی	بلند مدت	درصد فراوانی
کارکردهای آموزشی وزارت عتف	برنامه‌ریزی کلان آموزش عالی	صفر	صفر	-	-	-	-	-	-
	ایجاد، ادغام و حذف رشته‌ها	۳۰	٪۱۰۰	۱۲	٪۴۰	۱۵	٪۵۰	۳	٪۱۰
	ایجاد، ادغام و حذف مراکز آموزش عالی	۲۸	٪۹۳	۵	٪۱۷/۸۵	۱۴	٪۵۰	۹	٪۳۲/۱۴
	نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی	۳۰	٪۱۰۰	۶	٪۲۰	۱۹	٪۶۳/۳۳	۵	٪۱۶/۶۶
	نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی	۳۰	٪۱۰۰	۷	٪۲۳/۳۳	۱۹	٪۶۳/۳۳	۴	٪۱۳/۳۳

۱. منظور از تسهیلات پژوهشی شامل فرصت مطالعاتی، گرنت، پژوهانه و سایر تشویقات می‌باشد.

نوع کارکرد	کارکردها	فراوانی کارکردهای قابل واسپاری	درصد فراوانی	اولویت واسپاری					
				کوتاه مدت	درصد فراوانی	میان مدت	درصد فراوانی	بلند مدت	درصد فراوانی
کارکردهای آموزشی وزارت عتف	نظارت بر آزمون‌های ورودی	۲۸	%۹۳	۷	%۲۵	۱۵	%۵۳/۵۷	۶	%۲۱/۴۲
	تعیین ظرفیت پذیرش	۲۸	%۹۳	-	-	۱۸	%۶۴/۲۸	۸	%۲۸/۵۷
	توانمندسازی اعضا هیئت علمی	۲۹	%۹۶	۷	%۲۴/۱۳	۱۳	%۴۴/۸۲	۹	%۳۱/۰۳
	ارائه شیوه‌های نوین آموزشی	۲۷	%۹۰	۸	%۲۹/۶۲	۱۱	%۴۰/۷۴	۸	%۲۹/۶۲
	آموزش‌های آزاد و مهارتی	۲۸	%۹۳	۱۲	%۴۲/۸۵	۸	%۲۹/۶۲	۸	%۲۸/۵۷
	به‌روزرسانی سرفصل‌های آموزشی	۲۸	%۹۳	۴	%۱۴/۲۸	۱۸	%۶۴/۲۸	۴	%۱۴/۲۸
	ساماندهی مراکز آموزش عالی	۸	%۲۶/۶۶	۱	%۱۲/۵	۵	%۶۲/۵	۲	%۲۵

۲۰۶

همان‌طور که از جدول ۴ مشخص است از بین کارکردهای آموزشی قابل واسپاری، مصاحبه‌شونده‌ها بر این باور بودند که ایجاد، ادغام و حذف رشته‌ها، نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی، نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی به‌طور کامل به مناطق واگذار گردد. و اکثراً هم معتقد بودند این کارکردها به‌صورت میان‌مدت به مناطق واگذار گردد. همچنین در مورد کارکرد ساماندهی مراکز آموزش عالی بر این باور بودند که وزارت عتف این کارکرد را بر عهده داشته باشد. در مورد سایر کارکردها نیز اولویت واسپاری نیز از لحاظ فراوانی و درصد فراوانی به‌طور جزئی مشخص است.

جدول ۵: کارکردهای فرهنگی - دانشجویی قابل واسپاری و اولویت‌بندی آنها

نوع کارکرد	کارکردها	فراوانی کارکردهای قابل واسپاری	درصد فراوانی	اولویت واسپاری					
				کوتاه مدت	درصد فراوانی	میان مدت	درصد فراوانی	بلند مدت	درصد فراوانی
کارکردهای فرهنگی - دانشجویی	امور رفاهی دانشجویان	۳۰	%۱۰۰	۱۰	%۳۳/۳۳	۱۵	%۵۰	۵	%۱۶/۶۶
	هدایت استعدادها درخشان دانشجویی	۲۹	%۹۶/۶۶	۶	%۲۰/۶۸	۱۶	%۵۵/۱۷	۷	%۲۴/۱۳
	برنامه‌ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی	۳۰	%۱۰۰	۵	%۱۶/۶۶	۱۵	%۵۰	۱۰	%۳۳/۳۳
	برنامه‌ریزی و برگزاری المپیادهای دانشجویی	۲۸	%۹۳/۳۳	۸	%۲۸/۵۷	۱۷	%۷۱/۶۰	۳	%۱۰/۷۱

همان‌طور که از جدول ۵ مشخص است از بین کارکردهای فرهنگی - دانشجویی قابل واسپاری، مصاحبه‌شونده‌ها بر این باور بودند که امور رفاهی دانشجویان، برنامه‌ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی به‌طور کامل به مناطق واگذار گردد و اکثراً هم معتقد بودند این کارکردها به‌صورت میان‌مدت به مناطق واگذار گردد. در رابطه با سایر کارکردها نیز اولویت واسپاری از لحاظ فراوانی و درصد فراوانی به‌طور جزئی مشخص است.

جدول ۶: کارکردهای ستادی قابل واسپاری و اولویت‌بندی آنها

نوع کارکرد	کارکردها	فراوانی کارکردهای قابل واسپاری	درصد فراوانی	اولویت واسپاری					
				کوتاه مدت	درصد فراوانی	میان مدت	درصد فراوانی	بلند مدت	درصد فراوانی
کارکردهای ستادی	کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه	۳۰	٪۱۰۰	۶	٪۲۰	۱۶	٪۵۳/۳۳	۸	٪۲۶/۶۶
	جذب و انتقال اعضاء هیئت علمی	۲۴	٪۸۰	۷	٪۲۹	۱۳	٪۵۴/۱۶	۴	٪۱۶/۶۶
	گزینش دانشجویان، کارکنان و اعضاء هیئت علمی	۲۵	٪۸۳/۳۳	-	-	۱۹	٪۷۶	۶	٪۲۴
	توسعه همکاری‌های بین‌المللی	۲۷	٪۹۰	-	-	۲۳	٪۸۵/۱۸	۴	٪۱۴/۸۱
	رسیدگی به تخلفات اداری	۳۰	٪۱۰۰	۹	٪۳۰	۱۳	٪۴۳/۳۳	۸	٪۲۶/۶۶

۲۰۷

همان‌طور که از جدول ۶ مشخص است از بین کارکردهای ستادی قابل واسپاری، مصاحبه‌شونده‌ها بر این باور بودند که کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه، رسیدگی به تخلفات اداری به‌طور کامل به مناطق واگذار گردد و اکثراً هم معتقد بودند که این کارکردها به‌صورت میان‌مدت به مناطق واگذار گردد. در رابطه با سایر کارکردها نیز اولویت واسپاری نیز از لحاظ فراوانی و درصد فراوانی به‌طور جزئی مشخص است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تحلیل کارکردها و وظایف وزارت عتف در ارتباط با مؤسسات آموزش عالی بود، که در این ارتباط تعیین کارکردهای وزارت عتف و اولویت واسپاری و الزامات واسپاری این کارکردها مورد توجه قرار گرفت. البته نبود سطح محلی تصمیم‌گیری، ساختار متمرکز اداری و سیاسی کشور، نبود نهادهای پایدار برنامه‌ریزی منطقه‌ای، جدایی

و فاصله نهادهای بخش دولتی، خصوصی و مردمی و نبود حکم روایی منطقه‌ای، مناطق را از حیث توسعه به اندام‌واره‌ای از هم گسیخته و غیریکپارچه از نظر مدیریت منطقه‌ای مبدل ساخته است. (زیاری و محمدی، ۱۳۹۴)

در کشور ما، منطقه‌بندی از استاندارد و رویه بین‌المللی برخوردار نیست. دانشگاه پیام نور منطقه‌بندی ۴ دانشگاه دنیا را مطالعه کرده است. غالب آنها از نوعی منطقه‌بندی برخوردارند. اما کشورهایی مانند آمریکا با توجه به استقلال دانشگاه‌ها، برنامه‌ای به‌عنوان منطقه‌بندی ندارند. با توجه به اینکه دانشگاه‌های سراسری از تشکیلات گسترده در کشور برخوردارند، انتظار می‌رود که در منطقه‌بندی واحدهای خود پیش‌قدم باشند. دانشگاه آزاد اسلامی طی سال‌های متمادی نوعی طرح منطقه‌بندی واحدهای دانشگاه را به مرحله اجرا گذاشته است. ولی گزارشی از توفیق این دانشگاه در منطقه‌بندی موردنظر این آیین‌نامه در دست نیست. هم‌اکنون دانشگاه آزاد بنا به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی طرح آمایش خود را در دست بررسی و برنامه‌ریزی دارد که بخشی را نیز به منطقه‌بندی اختصاص داده است. در این طرح تمامی طرح‌های دانشگاه آزاد در ده منطقه قرار می‌گیرند و مقرر است که بخشی از اختیارات سازمان مرکزی به مناطق دهگانه تفویض شود. و سایر دانشگاه‌های ملی از قبیل پیام نور، دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه علمی - کاربردی مطالعاتی را در خصوص منطقه‌ای کردن انجام داده‌اند. اما دانشگاه فنی و حرفه‌ای با توجه به تجهیزات، ساختار و امکانات در فکر منطقه‌ای کردن نیست.

در واقع مدیریت منطقه‌ای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با تعقیب سیاست تمرکززدایی می‌تواند با رفع آثار منفی تمرکز اداری، موجبات افزایش نوآوری، کاهش ائتلاف زمان نیروی انسانی و افزایش پاسخگویی نظام اداری را فراهم نماید. حل این چالش از طریق تمرکززدایی، غیرسلسله‌مراتبی کردن ساختار اداری، تفویض اختیار به کلیه مناطق کشور امکان‌پذیر است. یکی از ابعاد توسعه اداری علاوه بر تخصص و وسعت، تقسیم کار است. تقسیم کاری که در گذشته نظام اداری کشور ما، بیشتر به نفع ادارات پایتخت و مرکز بوده و ادارات استانی به انجام کارهای دسته دوم بوروکراسی مشغول بودند. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با درک به موقع تحول در نظام اداری و با گسترش تدریجی قدرت اداری پایتخت به سراسر کشور، این وجه از تحول اداری را دنبال کرده است. بنابراین در جهت تأمین نیازهای مناطق در کشور و رشد متوازن آنها و هدمند شدن توسعه آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، با راه‌اندازی «دفتر امور مناطق کشور» نسبت به

ایجاد زمینه مناسب برای شکل‌گیری تعامل‌های سازنده، سریع و دقیق بین حوزه‌های صف و ستاد؛ در جهت تحقق اهداف عالی آموزش عالی کشور اقدام کرده است و با اجرای آیین‌نامه مدیریت منطقه‌ای در حوزه آموزش عالی و تدوین ساختار و حکمرانی مناسب می‌توان در مدیریت منطقه و رفع نیازهای آن موفق بود. از این‌رو مجموعه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور بر اساس تقسیمات منطقه‌ای می‌تواند برحسب نیاز توسعه پیدا کنند. ارتقاء فعالیت‌ها، جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها، صرفه‌جویی در هزینه‌های اجرای طرح‌ها در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، تسهیل در برنامه‌ریزی و فعالیت‌ها، مدیریت و صرفه‌جویی در وقت و هزینه، با توجه به موقعیت جغرافیایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور از ضروریات منطقه‌ای کردن آموزش عالی به حساب می‌آید. از این‌رو با اجرای آیین‌نامه مدیریت منطقه‌ای می‌توان بسیاری از مشکلات نظام آموزش عالی کشور را از این طریق برطرف نمود.

۲۰۹

نتایج یافته‌های این پژوهش در دو مرحله تحلیل اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای و روش کیفی حاکمی از آن بود که کارکردهای وزارت عتف به چهار کارکرد آموزشی، پژوهشی، ستادی و اداری و مالی تقسیم می‌شوند. کارکردهای آموزشی وزارت عتف شامل (برنامه‌ریزی کلان آموزش عالی، ایجاد، ادغام و حذف رشته‌ها، ایجاد، ادغام و حذف مراکز آموزش عالی، نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی، نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی، نظارت بر آزمون‌های ورودی، تعیین ظرفیت پذیرش، توانمندسازی اعضا هیئت علمی، ارائه شیوه‌های نوین آموزشی، آموزش‌های آزاد و مهارتی، به‌روزرسانی سرفصل‌های آموزشی، ساماندهی مراکز آموزش عالی)، کارکردهای پژوهشی شامل (ساماندهی طرح‌های پژوهشی، ساماندهی تسهیلات پژوهشی، ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری، صدور مجوز و تعیین اعتبار نشریات علمی، صدور مجوز و ارزیابی انجمن‌های علمی، انتخاب پژوهشگران برتر و نظارت بر کیفیت خروجی)؛ کارکردهای ستادی شامل (امور رفاهی دانشجویان، هدایت استعدادها در بخشان دانشجویی، برنامه‌ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی، برنامه‌ریزی و برگزاری المپیادهای دانشجویی، کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه، جذب و انتقال اعضا هیئت علمی، گزینش دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی، توسعه همکاری‌های بین‌المللی، رسیدگی به تخلفات اداری)؛ و در نهایت کارکردهای اداری و مالی شامل (بودجه‌ریزی و تأمین آن، پشتیبانی علمی ساختار و تشکیلات اداری، اداره امور مالی، نظارت بر طرح‌های عمرانی و برنامه‌ریزی امور رفاهی)

طبقه‌بندی شدند. همچنین بر مبنای نتایج لازم است کارکردهای ساماندهی تسهیلات پژوهشی و ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری، ادغام و حذف رشته‌ها، نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی، نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی، امور رفاهی دانشجویان، کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه، رسیدگی به تخلفات اداری، برنامه‌ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی و برنامه‌ریزی امور رفاهی به‌طور کامل به مناطق واگذار گردد.

بنابراین با توجه به نتایج پژوهش، پیامدهای سیاستی این طرح به شرح ذیل می‌باشد: جهت واسپاری کارکردها به مناطق باید آموزش و توانمندسازی بازیگران توسعه مدیریت منطقه‌ای نظام آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد، تا سیاست‌های واسپاری کارکردها به مناطق پیامد مثبتی داشته باشد که در غیر این صورت اجرای این طرح با مشکلاتی مواجه خواهد شد. با توجه به تقسیم‌بندی مناطق این امکان وجود دارد که سطح کیفی مدیران در مناطق با یکدیگر تفاوت جدی داشته باشد. به همین جهت نیاز است یک برنامه توانمندسازی مدیران لحاظ شود و انتصاب‌های مدیران به‌ویژه در دانشگاه‌های معین با دقت مضاعف انجام شود و اگر نه چالش‌های متعددی از این بخش قابل پیش‌بینی است.

همچنین باید تدوین الگوی نظارتی مدیریت منطقه‌ای نظام آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. با توجه به تقسیم‌بندی نظام آموزش عالی کشور از نظر آمایش سرزمینی به ۱۰ کلان منطقه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، نحوه نظارت بر روند اجرای مدیریت مناطق در جهت دستیابی بهتر به اهداف ضرورت پیدا کرده است. ارائه گزارش‌های تحلیلی از عملکرد مؤسسه پژوهشی و یا مؤسسات آموزش عالی و رتبه‌بندی سالانه مؤسسات پژوهشی و مراکز فناوری بر اساس مناطق موجب شده است که تدوین الگوی نظارتی جهت بهبود روند مدیریت منطقه‌ای نظام آموزش عالی مهم تلقی شود.

لازم است چگونگی تقویت و به‌کارگیری صندوق‌های پژوهش و فناوری منطقه‌ای جهت ساماندهی طرح‌های پژوهشی، ساماندهی تسهیلات پژوهشی، توسعه آزمایشگاه‌های منطقه‌ای و حمایت از پژوهشگران برتر منطقه‌ای در این طرح مورد توجه قرار گیرد تا دستیابی به اهداف طرح‌های پژوهشی تسهیل گردد.

منابع

۱. احمدی رضائی، حسین و فائزه سادات مالکی. (۱۳۹۴). سیاستگذاری در آموزش عالی با رویکرد حکمرانی (خوب). تهران: انتشارات مشکوه دانش.
۲. اسدی، محمد. (۱۳۹۵). نقش عوامل استقلال دانشگاهی در رتبه‌بندی دانشگاه‌های اروپایی. نامه آموزش عالی. دوره ۹. شماره ۳۶.
۳. اسدی، محمد و سارا معروفی. (۱۳۹۵). جایگاه تمرکزگرایی و استقلال دانشگاهی در بین‌المللی سازی نظام آموزش عالی ایران. کنگره ملی آموزش عالی ایران.
۴. امینی، سیدجواد. (۱۳۹۲). مدل ارزیابی راهبردهای پیامدهای فرهنگی اجتماعی خط‌مشی‌های آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران. دانش راهبردی. دوره ۳. شماره ۱۲.
۵. بازرگان، عباس. (۱۳۹۴). استانداردهای آموزش عالی: از آرمان تا واقعیت. آموزش عالی. دوره جدید. سال ۸. شماره ۳۰.
۶. بوذری، سیمنا. (۱۳۹۵). آمایش آموزش عالی در پهنه جغرافیای کشور. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی. دوره ۲۲. شماره ۲.
۷. ثمری، عیسی و غلام رضا گرائی نژاد. (۱۳۹۲). نگاهی به جایگاه مفهومی آمایش آموزش عالی در آمایش سرزمین: راهنمایی برای توسعه دانشگاهی. انجمن آموزش عالی ایران. سال ۵. شماره ۳.
۸. رخشانی، مریم و علی شمس. (۱۳۹۳). رابطه بین عملکرد پژوهشی و آموزشی اعضای هیئت علمی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه زنجان. پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۶. شماره ۳۱.
۹. زیاری، کرامت الله و علیرضا محمدی. (۱۳۹۴). تحلیلی از ویژگی‌های مدیریت توسعه منطقه‌ای در ایران طی دوره‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی. مجلس و راهبرد. سال ۲۲. شماره ۸۴.
۱۰. طریفی حسینی، حمید. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی و تحلیلی سیر تاریخی آموزش عالی ایران با تأکید بر تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مؤثر بر آن در سه دوره قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۱. کمالی، یحیی. (۱۳۹۲). بررسی نقش تمرکز زدایی در تحقق سلامت اداری. سیاست‌های راهبردی و کلان، دوره ۲. شماره ۵.
۱۲. ماموریت‌گرایی در آموزش علوم پزشکی. (۱۳۹۵). ایجاد زبان مشترک در مسیر تحول آموزش علوم پزشکی.
۱۳. ملکی، حسن و جواد آقا محمدی. (۱۳۹۴). تمرکزگرایی و تمرکز زدایی در فرایند برنامه ریزی توسعه آموزشی: چالش‌ها و موانع. کار و جامعه. شماره ۱۸۰.
۱۴. نیستانی، محمدرضا و ریحانه رامشگر. (۱۳۹۲). نقش فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها در توسعه فرهنگی جامعه. مهندسی فرهنگی. شماره ۷۶.

15. Arbo, P. , & Benneworth, P. (2007). Understanding the Regional Contribution of Higher Education Institutions: A Literature Review. OECD Education Working Papers, No. 9. *OECD Publishing (NJ1)*.
16. Bezpalov, V. V. (2014). Diagnostics Methods for Purposes of Restructuring of Regional Management System. URL: http://www.lifesciencesite.com/ljsj/life1109s/009_25119life1109s_14_56_59.pdf.
17. Caniëls, M. C. , & Van den Bosch, H. (2011). The Role of Higher Education Institutions in Building Regional Innovation Systems. *Papers in Regional Science*, 90 (2) , 271-286.
18. Chatterton, P. , & Goddard, J. (2000). The Response of Higher Education Institutions to Regional Needs. *European Journal of Education*, 35 (4) , 475-496.
19. Creswell J. w. (2009). *Research Design: Qualitative, Quantitative & Mixed Method Approaches (Second edition)*. Sage Publications London: New Delhi.
20. Creswell J. w. (2012). *Educational Research: Planning, Conducting and Evaluating Quantitative and Qualitative Research. (Fourth edition)*. Pearson. Boston.
21. Dartomi, M., Monaghi, H. K., Razavi, M. E., Emadzadeh, A., & Azizi, M. J. M. (2020). Improvement of Indexes of Facility Members' Recruitment: The Views of the Experts. *Future of Medical Education Journal*, 10(3).
22. Donoghue, T, O and Punch, K. (2003). *Qualitative Educational Research in Action*. Simultaneously published in the USA and Canada: RoutledgeFalmer.
23. Meehan, E. M. 2003. *From Government to Governance, Civic Participation and New Politics': The Context of Potential Opportunities for the Better Representation of Women*. Centre for Advancement of Women in Politics, Queen's University Belfast.
24. Goddard, J. , & Kempton, L. (2011). *Connecting Universities to Regional Growth: a Practical Guide*. Brussels, EU.
25. Hatch, J. A. (2002). *Doing Qualitative Research in Education Settings*. State University of New York at Albany.
26. Olcay, G. A. , & Bulu, M. (2017). Is Measuring the Knowledge Creation of Universities Possible?: A Review of University Rankings. *Technological Forecasting and Social Change*, 123, 153-160.
27. Radinger-Peer, V. , & Pflitsch, G. (2017). The Role of Higher Education Institutions in Regional Transition Paths Towards Sustainability. *Review of Regional Research*, 37 (2) , 161-187.
28. Scott, J. C (2006). The Mission of the University: Medieval to Postmodern Transformations. (Educational changes). *Journal of Higher Education*, Vol. 77, No. 1, pp. 1-39.
29. Vesamavibool, S. , Urvongse, S. , Hanpanich, B. , Thongnoud, D. , & Watcharin, K. (2015). The Comparative Study of Professional Standards for Thai Teachers and for Asean Teachers. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 191, 2280-2284.
30. Weidman, J. C. , & DePietro-Jurand, R. (2011). EQUIP2 State-of-the-Art Knowledge in Education.
31. Wilson, G. A. (2012). Community Resilience, Globalization, and Transitional Pathways of Decision-Making. *Geoforum*, 43 (6) , 1218-1231.
32. Yusoff, M. A. , Sarjoon, A. , Awang, A. , & Efendi, D. (2016). Conceptualizing Decentralization and its Dimensions. *International Business Management*, 10 (6) , 692-701.
33. Zaman, K. (2015). Quality Guidelines for Good Governance in Higher Education Across The Globe. *Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences*, 1 (1) , 1-7.

پیوست

با سلام و احترام

اندیشمند گرامی

به استحضار می‌رساند با توجه به طرح مدیریت منطقه‌ای آموزش عالی بحث استخراج کارکردهای قابل واسپاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به مناطق مطرح است، بنابراین با توجه به اهمیت طرح منطقه‌بندی مؤسسات آموزش عالی، خواهشمند است به سؤالات پژوهش پاسخ دهید. پیشاپیش از عنایتی که می‌فرمایید و وقتی که اختصاص خواهید داد، سپاسگذاری می‌گردد.

۲۱۳

با تجدید احترام

منطقه‌بندی مؤسسات آموزش عالی یکی از طرح‌های مهم آموزش عالی و از موضوعات اصلی طرح ملی آمایش است. راهبرد اصلی مدیریت منطقه‌ای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، تمرکززدایی، تفویض اختیار و ارتقاء سطح نقش‌آفرینی مناطق در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و هم‌افزایی ظرفیت‌های موجود و فعال در هر منطقه، با رعایت اصل استقلال و آزادی عمل دانشگاه‌ها است. انتظار می‌رود با اجرای طرح منطقه‌بندی، کاهش تصدی‌گری دولت، بالا رفتن سطح خلاقیت دولت و مشارکت در مناطق، همکاری و هم‌گرایی دانشگاه‌ها، پاسخگویی اجتماعی مراکز آموزش عالی در سطوح مختلف جامعه، مأموریت‌گرایی، توسعه هدفمند، التزام به تضمین کیفیت و سرانجام اعتلای آموزش عالی را در پی داشته باشد.

بنابراین در جهت دستیابی به کارکردهای قابل واسپاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به مناطق، سؤالاتی در قالب جدول به شرح ذیل مطرح شده است:

نوع کارکرد	کارکردها	کدامیک از کارکردها قابل واسپاری است؟	اولویت واسپاری			سطح اختیارات مناطق			الزامات واسپاری (اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و قانونی)
			بلند مدت	میان مدت	کوتاه مدت	عدم اختیار	اختیار نسبی	اختیار کامل	
کارکردهای پژوهشی وزارت عتف	ساماندهی طرح‌های پژوهشی								
	ساماندهی تسهیلات پژوهشی								
	ایجاد و توسعه واحدهای پژوهشی و مراکز فناوری								
	صدور مجوز و تعیین اعتبار نشریات علمی								
	صدور مجوز و ارزیابی انجمن‌های علمی								
	انتخاب پژوهشگران برتر								
	نظارت بر کیفیت خروجی								
	به‌نظر شما کارکردهای پژوهشی دیگری وجود دارد که قابل واسپاری باشد؟								
کارکردهای آموزشی وزارت عتف	برنامه‌ریزی کلان آموزش عالی								
	ایجاد، ادغام و حذف رشته‌ها								
	ایجاد، ادغام و حذف مراکز آموزش عالی								
	نظارت بر کیفیت ارائه رشته‌های درسی								
	نظارت بر پیامدهای رشته‌های تحصیلی								
	نظارت بر آزمون‌های ورودی								
	تعیین ظرفیت پذیرش								
	توانمندسازی اعضا هیئت علمی								
	ارائه شیوه‌های نوین آموزشی								
	آموزش‌های آزاد و مهارتی								
	به‌روزرسانی سرفصل‌های آموزشی								
	ساماندهی مراکز آموزش عالی								
		به‌نظر شما کارکردهای آموزشی دیگری وجود دارد که قابل واسپاری باشد؟							

نوع کارکرد	کارکردها	کدامیک از کارکردها قابل واسپاری است؟	اولویت واسپاری			سطح اختیارات مناطق			الزامات واسپاری (اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و قانونی)
			کوتاه مدت	میان مدت	بلند مدت	عدم اختیار	اختیار نسبی	اختیار کامل	
کارکردهای اداری - مالی وزارت عتف	بودجه ریزی و تأمین آن								
	پشتیبانی علمی ساختار و تشکیلات اداری								
	اداره امور مالی								
	نظارت بر طرح‌های عمرانی								
	برنامه ریزی امور رفاهی								
کارکردهای ستادی وزارت عتف	به نظر شما کارکردهای اداری - مالی دیگری وجود دارد که قابل واسپاری باشد؟								
	امور رفاهی دانشجویان								
	هدایت استعدادها درخشان دانشجویی								
	برنامه ریزی و برگزاری جشنواره‌های دانشجویی								
	برنامه ریزی و برگزاری المپیادهای دانشجویی								
	کمیسیون‌های موارد خاص در سطح منطقه								
	جذب و انتقال اعضاء هیئت علمی								
	گزینش دانشجویان، کارکنان و اعضاء هیئت علمی								
	توسعه همکاری‌های بین‌المللی								
	رسیدگی به تخلفات اداری								
	به نظر شما کارکردهای ستادی دیگری وجود دارد که قابل واسپاری باشد؟								

از نظر شما برای اینکه بتوانیم کارکردهایی را به مناطق واسپاری کنیم باید از چه الگویی استفاده کنیم؟ الگوی پیشنهادی شما به چه صورت است؟